

بررسی و تحلیل ظرفیت‌های گردشگری هورامان با تأکید بر خوانش منظر فرهنگی

امین ابراهیمی دهکردی^{*۱}

۱- پژوهشگر دکترای شهرسازی، مدرس گروه معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

چکیده

صنعت گردشگری، امروزه به ویژه در ابعاد اقتصادی و فرهنگی خویش، نقشی تعیین کننده در توسعه یافتگی کشورها ایفا می‌نماید، به طوری که اقتصاددانان به آن، لقب «صادرات نامرئی» داده‌اند. در ایران نیز، با تکیه بر پشتوانه‌ی عظیم فرهنگی، قابلیت‌های زیادی در زمینه‌ی گردشگری فرهنگی و به خصوص گردشگری فرهنگی و آیینی، وجود دارد. منظر فرهنگی مفهومی دربردارنده‌ی ارزش‌های فرهنگی - طبیعی بوده که حاصل تعامل میان انسان و طبیعت در طول تاریخ است. علاوه بر این مناظر فرهنگی دربرگیرنده، حافظ و بیانگر هویت و تاریخ یک منطقه و ساکنین آن هستند و از این رو حفاظت از مناظر فرهنگی و ارزش‌های آن از اهمیت به سزایی برخوردار است. منطقه هورامان با مرکزیت فرهنگی زیارتگاه پیرشالیار و رسوم مرتبط با آن امروزه به منظر فرهنگی و شناسنامه هورامان تبدیل شده است. به لحاظ موقعیت جغرافیایی همچون دیگر زیارتگاه‌ها و اماکن مقدس ایران باستان و خصوصاً بناهای مقدس زرتشتی که از قرن‌ها پیش در سرزمین ایران ساخته شده‌اند، در کنار کوه، چشمه و درخت قرار گرفته است که یادگاری از باورهای کهن ایرانیان مبتنی بر طبیعت‌گرایی بوده و ریشه در اعتقاد به ایزدان طبیعت داشته است. پژوهشگران در پی پاسخ‌گویی به این سؤال بوده‌اند که چه عواملی بر ایجاد انگیزش‌های گردشگران در مواجهه با وجوه گردشگری فرهنگی - آیینی، مهم‌ترین نقش را ایفا می‌نماید. هورامان، به لحاظ توسعه‌ی گردشگری در سالیان اخیر بسیار مورد توجه بوده و وجود جاذبه‌های طبیعی، فرهنگی و آیینی خاص منطقه، قابلیت‌های ویژه‌ای را برای توسعه‌ی گردشگری فراهم نموده است. در این راستا، پرسشنامه‌ای محقق ساخته که از تفسیر داده‌های آن بتوان به مهم‌ترین انگیزش‌های گردشگران دست یافت، تنظیم گردید و در محدوده‌ی زمانی تحقیق (۶ روز) تعداد ۳۴۰ نسخه از آن، به صورت تصادفی ساده و حضوری، ضمن ارائه توضیحات لازم، در اختیار نمونه‌های تحقیق قرار داده شد و در نهایت، داده‌های به دست آمده، مورد تحلیل تأملی قرار گرفت. نتایج پژوهش، حاکی از این مهم است که علیرغم بعد مسافت و مشکلات اقتصادی همچنان علاقه به گردشگری فرهنگی - آیینی بسیار زیاد بوده و گروه‌های سنی مختلف در سطوح مختلف تحصیلی این موضوع را در اولویت قرار می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: هورامان، گردشگری فرهنگی - آیینی، منظر فرهنگی، ظرفیت گردشگری

* نویسنده رابط: info@aminebrahimi.com

مقدمه

مفهوم گردشگری فرهنگی - آیینی، در ادبیات مطالعات بین‌رشته‌ای، بر ساخته‌ای ساختار ساز از نظرگاه‌های اقتصاد، مدیریت، جامعه‌شناسی، فرهنگ پژوهی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، دین پژوهی و غیره بوده و به نظر می‌رسد با توجه به چند حوزه‌ای بودن مطالعات گردشگری، می‌باید در بدایت امر، پژوهش‌هایی بنیادی در وجوه مختلف آن صورت گیرد.

باورها و آیین‌های ایران باستان در ارتباط مستقیم با طبیعت و بزرگداشت و نیایش عناصر طبیعی بوده است. بیشتر بناهایی که در دل کوه‌ها، کنار چشمه‌ها و درختان مقدس بنا شده و نیایشگاه نیاکان ما بوده‌اند و تا امروز نیز زیارتگاه زرتشتیان و مسلمانان است (سجاد زاده، ۱۳۹۳). هورامیان در طول سالیان زیستگاه خاص خود را در دل طبیعت دره هورامان پدید آورده‌اند. طی این سالیان هم‌نشینی آنان تجربه‌ی مشابهی از سکونت در این ناحیه یافته‌اند. همین تجربه است که به آن‌ها هویتی واحد بخشیده است، تجلی این هویت واحد را می‌توان در منظر فرهنگی - آیینی هورامان نظاره کرد. زندگی هورامیان که امروزه در بسیاری از وجوه کیفیت هزاران ساله‌اش را حفظ کرده به صورت‌های گوناگون ظهور یافته است؛ همان‌ها که مظاهر فرهنگ می‌خوانیم. معماری تنها یکی از این مظاهر است که معرف کیستی اهالی جایی و کجایی سرزمینشان است. معماری هورامان با اندیشه، منش و رفتار مردم هورامی پیوندی زنده دارد. اگر فرهنگ را مقوله‌ای تعریف کنیم که ریشه در گذشته دارد، هورامی بودن نیز ریشه در فعالیت‌های هزاران سال گذشته دارد. دره هورامان به واسطه‌ی اینکه از رویدادهای اصیلش خالی نشده است هنوز زنده است؛ و ارتباط هورامی با گذشته فرهنگی‌اش هنوز قطع نشده است. این موجود زنده امروزه به سبب توجهی که به آن می‌شود با عامل جدید و بیرونی گردشگر مواجه است (حنیفی، ۱۳۹۰).

اگرچه تاکنون، مطالعاتی پراکنده و گاه منسجم در شناخت وجوه مسئله به انجام رسیده است و وجود نسبی دغدغه‌های پژوهشی موجود، نشان از پتانسیل تحقیقاتی در زمینه‌ی مورد بحث دارد. کمتر مطالعه‌ای وجود دارد که با نگاهی پدیدار شناختی، ابعاد مسئله را در ارتباط با انگیزش‌های گردشگران، در مواجهه با وجوه گردشگری فرهنگی - آیینی، مورد کاوش قرار دهد.

روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی، پیمایشی انجام پذیرفته است، از آنجا که مبحث «منظر فرهنگی» به عنوان علمی نسبتاً نوپا، دارای ریشه‌های عمیق‌تری در کشورهای توسعه‌یافته است، لذا با استفاده از منابع لاتین، به اختصار مبانی نظری و تعاریفی پیرامون مفهوم «منظر فرهنگی» مورد بازخوانی قرار گرفته شد و پس از آن، با استناد به تصاویر تهیه شده، کتب و مقالات مرتبط و همچنین مصاحبه و مشاهدات میدانی،

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری منظر فرهنگی و آیینی در هورامان مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت. سپس به منظور یافتن انگیزش‌های گردشگران پرسشنامه بین ایشان توزیع و نتایج تحلیل گردید.

شیوه داده اندوزی و فرایند پژوهش

(۱) انجام مطالعات زمینه‌یابی. (۲) جمع‌آوری داده‌های پژوهشی از منابع میدانی، کتابخانه‌ای و آرشیوی. (۳) تهیه و تنظیم فهرست سؤالات پرسشنامه. (۴) ارائه‌ی پرسشنامه (حضوری) به مخاطبان در محدوده‌ی زمانی و مکانی تحقیق. (۵) جمع‌آوری داده‌های پرسشنامه‌ها (۶) تحلیل تأملی در داده‌های به دست آمده از پرسشنامه‌ها. (۷) تطبیق بنیان نظری پژوهش با تحلیل تأملی صورت گرفته. (۸) ارائه نتایج نهایی و راهکارهای مربوط به هدف تحقیق.

مبانی نظری

منظر

منظر حیطة بسیار وسیعی از دنیای پیرامونی ما را در برمی‌گیرد. مجموعه‌ای از ویژگی‌های بخشی از سطح زمین که آن را از دیگر بخش‌ها متمایز می‌کند؛ بنابراین منظر ترکیبی است از موضوعاتی چون زمین‌های کشاورزی، ساختمان‌ها، تپه‌ها، جنگل‌ها، بیابان‌ها، آب‌ها و مجموعه‌های زیستی. منظر کاربری‌های زمین از جمله مسکن، حمل و نقل، کشاورزی و مناطق طبیعی را نیز در برمی‌گیرد و می‌تواند ترکیبی از آن کاربری‌ها باشد (Spirn, 1998:126).

۴-۱-۱- دیدگاه‌های منظر و انواع آن

سایمون سوافیلد^۱ تمایز سه نوع منظر را مطرح می‌کند: منظر ادراک عقلی^۲ (تصورات ذهنی از زمین)، منظر ادراک حسی (پدیده‌های تعریف شده از طریق چشم) و منظر کل‌نگر (درک ترکیبی)^۳. منظر کل‌نگر ابعاد گوناگونی از وجود انسان را در نظر دارد: ذهن، چشم، تخیل، بدن و دست (عمل) (Swaffield, 2005:8). مخزومی و پانجتی^۴ گفته‌اند که منظر را می‌توان از چهار دیدگاه بررسی کرد: منظر به مثابه منظره و به مثابه مکانی خاص و به مثابه بیانی از فرهنگ و به مثابه موجودیتی کل‌نگر (Makhzoumi & Pungetti 1999: 4). از دیدگاه اسحاق زونولد^۵، منظر مجموعه‌ای از سیستم‌های ارتباط

¹ Simon Swaffield

² conceived

³ holistic

⁴ Jala Makhzoumi & Gloria Pungetti

⁵ Zonneveld

است که باهم بخش متمایز یا شاخصی از سطح سیاره زمین را شکل می‌دهند. این بخش از زمین با کنش متقابل نیروهای حیاتی و غیرحیاتی و همچنین کنش‌های انسان شکل می‌گیرد. در بطن این تعریف، منظر به سه شیوه تعبیر و تعریف می‌شود: ۱- منظر ادراک حسی و ۲- منظر الگو و ۳- منظر به مثابه یک اکوسیستم). منظر به مثابه اکوسیستم مفهوم جامع منظر است که در آن دو مفهوم قبلی یکی می‌شوند و سیمای هر سیستم را بیان می‌کنند. این مفهوم موضوع اصلی دانش منظر از دیدگاه سیستم‌هاست (Zonneveld, 1995:4).

۴-۱-۲- تفاوت منظر فرهنگی با منظر طبیعی

مطالعه منظر فرهنگی می‌تواند مقولات مختلفی را در برگیرد، مانند:

مؤلفه‌های طبیعی و انسان ساخت محیط و روندهایی که آن‌ها را در طول زمان دست‌خوش تغییر کرده است. این مؤلفه‌ها و ارتباطات آن‌ها که می‌تواند هماهنگ و یا غیر متجانس و حتی ناسازگار باشد، هم از بعد فیزیکی و هم از جنبه‌های عملکردی و تداعی‌گرشان قابل بررسی و تحلیل است. پدیده‌های مجردی که یک‌باره ظهور یافته‌اند و یا پدیده‌های چندگانه‌ای که در یک روند آرام و تدریجی شکل گرفته‌اند. یک قرارگاه طبیعی که به وسیله انسان‌ها تغییر نیافته است؛ اما با معنای ویژه‌ای برای انسان‌ها درهم آمیخته است (Longstreth, 2008:1).

در تقسیم‌بندی منظر اگر بر اساس میزان مداخله انسان در طبیعت طیفی در نظر گرفته شود، در یک سر این طیف، منظر طبیعی و در سر دیگر آن منظر فرهنگی قرار می‌گیرد. بر این اساس "فردیناندز^۱ منظر طبیعی را منظری می‌داند که از فعالیت‌های انسانی هیچ تأثیری نپذیرفته باشد. منظر فرهنگی تغییر شکل یافته یک منظر طبیعی توسط یک گروه فرهنگی دانسته می‌شود (Sauer, 1925). اما با نظر به مواردی که می‌تواند به عنوان زیر منظومه منظر فرهنگی مورد مطالعه قرار گیرد، یک منظر را به قید بکر و دست‌نخورده بودنش نمی‌توان صرفاً در گروه منظر طبیعی قرار داد و منظر فرهنگی قلمداد نکرد. به عبارت دیگر دخالت انسان در یک منظر طبیعی، تنها محدود به جنبه‌های فیزیکی و عینی نیست و جنبه‌های ذهنی را نیز در برمی‌گیرد. با این نگاه و با در نظر داشتن آنکه در طول هزاران سال زیست بشر بر روی کره زمین بسیاری از مناظر دست‌خوش تغییر شده و یا با معانی ویژه درهم آمیخته است، تمیز دادن منظر طبیعی از منظر فرهنگی به سهولت میسر نیست (ابراهیمی دهکردی، ۱۳۹۲).

¹ Ferdinands

۴-۱-۳- گونه‌شناسی و دسته‌بندی منظر فرهنگی

گونه‌های منظر فرهنگی بر اساس پیوست سه راهنمای عملیاتی یونسکو به شرح زیر است: یک منظر جهانی طراحی شده و ساخته شده توسط انسان (پارک، درختستان، باغ‌های تفرجگاهی، پلازا، میدان، قبرستان، تفرجگاه، حیاط، ...)، باغ، پارک، باغ‌های مربوط به ساختمان‌ها و یا مجموعه‌های یادمانی؛

مناظری که به طور طبیعی تکامل یافته‌اند؛ منظر باقیمانده از گذشته‌ی (فسیل شده) - منظر در حال تکامل؛

منظر فرهنگی تداعی‌گر: در ارتباط با مؤلفه‌های مذهبی، فرهنگی، طبیعی (ICOMOS, 2006).

تبیین منظر فرهنگی

به‌طور کلی در این پژوهش اصطلاح «منظر فرهنگی» معادل «منظر متأثر از فرهنگ بومی» است و به منظور آشنایی و معرفی ارتباط بین منظر و فرهنگ و نقش کیفی انسان در متأثر ساختن منظر پیرامون خویش، در ادامه به صورت مختصر به توصیف ارتباط بین منظر و فرهنگ انسانی یا همان «منظر فرهنگی» پرداخته می‌شود. به اعتقاد اسپیرن، جغرافیدان دانشگاه ویسکانسین، قدرت خواندن و بیان کردن و طراحی منظر یکی از بزرگ‌ترین استعدادهای بشر در طول تاریخ بوده است (اسپیرن، ۱۳۸۴: ۳۳). انسان، قادر است با فرهنگ خود بر عناصر کالبدی منظر تأثیر بگذارد، اکبوا^۱ بیان می‌دارد که عواملی همچون الگوهای اجتماعی، آداب و رسوم، قوانین و سنت‌های انسانی و در یک کلام، فرهنگ اهمیت و قدرت تأثیرگذاری بر منظر دارند (Eckbo, 1969: 3).

۴-۲-۱- عناصر تشکیل‌دهنده منظر فرهنگی؛ طبیعت، تاریخ، فرهنگ

مفهوم طبیعت در تاریخ دچار فراز و نشیب‌های زیادی بود و در نهایت به گرامی‌ترین عنصر مرتبط با حیات انسان بدل شد. تمدن بشری با تلاش انسان برای ارتباط و بهره‌گیری از طبیعت و درک آن آغاز شد. منظر فرهنگی، مفهومی است دربردارنده ارزش‌های فرهنگی و طبیعی که نشانگر تعامل میان انسان و طبیعت در طول تاریخ است. مناظر فرهنگی آثار ارزشمندی هستند؛ دربرگیرنده، نگه دارنده و نشان دهنده‌ی هویت و تاریخ یک منطقه و ساکنین آن (مخلص و فرزین و جوادی، ۱۳۹۲). بر پایه گرایش‌های فرهنگی و رویدادهای تاریخی یک جامعه، منظر، ویژگی‌های فیزیکی، زیستی و فرهنگی زندگی روزمره آن جامعه را منعکس می‌کند. منظر فرهنگی در پیوند با طبیعت و در طول تاریخ شکل می‌گیرد و حیات می‌یابد و این مناظر شامل میدان‌های جنگ، قصرها، قلعه‌ها و به وجود آمدن منطقه‌ای

¹ Eckbo

زیستی بر مبنای اسطوره و یا یک افسانه حماسی، هستند. برای درک بهتر رابطه فضاهای انسان ساخت با محیط ابتدا بایستی به دیدگاه انسان در مورد طبیعت نظر داشت (کلارک، ۱۳۷۰).

۴-۲-۲- فرایند شکل‌گیری منظر فرهنگی

تا قبل از انقلاب فکری فرهنگی رنسانس، مردم زندگی‌شان را در اجتماعات کوچک می‌گذراندند و رابطه‌ای کل‌نگرانه و معنوی با طبیعت داشتند. هدف آن‌ها هیچ‌گاه پیش‌بینی و مهار اشیا نبود بلکه درک معنای وجودی آن‌ها کفایت می‌کرد (یو، ۱۳۸۲: ۲۴). بدین ترتیب می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که ارتباط سه‌گانه بین طبیعت، انسان و محیط زیست او در قالب فرهنگ وی و مبتنی بر شناخت و درک معنای وجودی عناصر پیرامونی بوده است. بر اساس تعریفی شاعرانه، عناصر اصلی منظر همانا درخت، رود، ابر، کوه و انسان هستند (اسپیرن، ۱۳۸۴: ۱۹۷-۲۱۵). در فرایند شکل‌گیری منظر فرهنگی، «بعد زمان» در ایجاد و سپس تقویت منظر فرهنگی نقش اساسی دارد. منظر فرهنگی در حقیقت حاصل «فرایند سازی بین طبیعت و فرهنگ انسان» است، به گونه‌ای که با آن در تناسباتی متنوع و گوناگون می‌آمیزد (Eckbo, 1969: 3). هانزیکر (2000)، به نقل از هویسل خاطر نشان می‌سازد که افراد معمولی به منظر فرهنگی سستی تمایل و رغبت نشان می‌دهند و این بدان خاطر است که آن‌ها با مناظر فرهنگی پیوستگی دارند و به وسیله همین مناظر فرهنگی سستی احراز هویت می‌کنند (Solvia et al. 2008: 57-71). بی‌شک منظر فرهنگی در طول زمان شکل می‌گیرد و حاصل برهم‌کنش فعالیت‌های انسانی، فرایندهای طبیعی تأثیرات محیطی است (Hunziker, 2000 Horskil, 1987).

نقش آیین در مناظر فرهنگی

شاید قوی‌ترین نوع پیوند طبیعت و رسوم مردم را بتوان در مراکز آیینی و مقدس جستجو کرد. زندگی بسیار نزدیک با طبیعت از گذشته و به نسبت کمتری تا به امروز برای انسان‌ها بسیار مهم بوده است. در گذشته ارتباط صمیمی و خاص با طبیعت و مقدس دانستن آن، به نقطه عطفی در زندگی مردم تبدیل شد و نتیجه آن شکل‌گیری مراکز آیینی و مذهبی بود که در آن‌ها، طبیعت مهم‌ترین عنصر و عامل تشکیل‌دهنده فضا بود. دین مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده در ساختار اجتماعی، فرهنگی و هنری جوامع سنتی به شمار می‌رود و علیرغم وجود تفاوت بین ادیان مختلف، می‌توان نکات مشترکی نیز بین آن‌ها ملاحظه کرد (ابراهیمی دهکردی، ۱۳۹۲). مهم‌ترین عامل در بقای اعتقادات و باورهای مردم، کالبد بخشیدن به آن‌ها در قالب معابد و زیارتگاه‌هاست که عموماً در کنار عناصر مقدس طبیعت، بنا می‌شوند. مکان‌های آیینی در بیشتر ادیان، بر اساس ویژگی‌های جغرافیایی، ویژگی‌های طبیعی محیط و در ارتباط نزدیک با طبیعت تعیین می‌شده است. کوه، آب، درخت از عناصر سه‌گانه و مقدس طبیعت هستند که

مکان‌های زیارتی در کنار این سه عنصر برپا می‌شده‌اند و از این طریق کیفیات مثبت محیطی را متجلی می‌ساخته‌اند. باورهای آیینی ایران باستان در ارتباط مستقیم با طبیعت و بزرگداشت و نیایش عناصر طبیعی بوده است. بیشتر بناهایی که در دل کوه‌ها، کنار چشمه‌ها و درختان مقدس بنا شده و نیایشگاه نیاکان ما بوده‌اند و تا امروز نیز زیارتگاه زرتشتیان و مسلمانان است، طبق شواهد بسیار، پرستشگاه مهر و آن‌ها تا بوده که در مسیر تاریخ و با ظهور ادیان جدید دچار دگرگونی شده‌اند تا مناسب با عملکرد آیین نو باشند. بسیاری از این اماکن که امروز با نام چهارطاقی، آتشکده، امامزاده و یا مقابر پیران و بزرگان مشهورند، به گذشته‌هایی دور و آینه‌ای جاری نیایش آب، آتش و آفتاب در زمان خود بازمی‌گردد (جوادی، ۱۳۸۶: ۲۲-۱۲).

منطقه مورد مطالعه

روستای هورامان تخت که هم‌اکنون یکی از قطب‌های گردشگری استان کردستان محسوب می‌شود، در ۶۰ کیلومتری جنوب مریوان و در قلب محور دیدنی و توریستی مریوان - کرمانشاه قرار گرفته است. این روستا در فاصله ۴۶ درجه و ۱۴ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۲۸ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۵ درجه و ۱۶ دقیقه عرض جغرافیایی قرار دارد. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد روستای هورامان بافت ویژه و نوع معماری سنگی و خاص این روستا می‌باشد. بافت این روستا که خود از اصلی‌ترین جاذبه‌های توریستی می‌باشد، پلکانی و بناها با سنگ لاشه محلی و به صورت خشکه‌چین و بسیار زیبا و دیدنی ساخته شده که پیشینه تاریخی بسیار طولانی دارد.



تصویر ۱: بلوک هورامان تخت در دامنه‌های کوه سالان

هورامان بدان گونه که سنت کردها از آن یاد می‌کند، یکی از قطب‌های فرهنگ باستانی کردهاست که این امکان را برایمان فراهم می‌کند که هورامان را در آیینۀ آثار هورامیان بجوییم. شاید بهترین این آثار که در فهم کجایی هورامان از نظر هورامیان به ما کمک می‌کند، فولکلور هورامی باشد. عمده میراث ملت کرد فولکلور است، ادبیات کرد مملو از موضوعات و قصیده‌هایی در شرح حماسه‌ها و حکایات و اساطیر ملی است. این مفاهیم غنی به شکل رقص و آواز سال‌هاست بر اندام ملت کرد جاری می‌شود. نسل کرد این میراث را از طریق راویان و همچنین اشعار و آوازهایی که تاریخ گذشته را بازگو می‌کنند، دریافت می‌کند، با تأمل در اشعار هورامیان در می‌یابیم گفتن از هورامان همواره با توصیف طبیعت همراه است.^۱ این اشعار نسبت تفکر هورامی را با طبیعت نشان می‌دهد. طبیعتی سخت که هرگز نتوانسته است هورامیان را از اسکان در این سرزمین ناامید سازد.

نوع تعامل هورامی با جهان نشان می‌دهد هورامیان نه تنها با طبیعت در ستیزه نیستند، بلکه با آن سازگار شده‌اند؛ چرا که هورامیان خانه اولشان طبیعت است. این‌ها با مکاشفه در کوه و دره به فهم عمیقی از طبیعت اطرافشان رسیده‌اند. فهمی که سبب کشف آن حقیقتی شده است که این طبیعت از آن خبر می‌دهد. نام‌هایی که هورامیان به چشم‌اندازها داده‌اند، نشانه ارزشی است که طبیعت در نظر آن‌ها دارد. چشم‌اندازهایی که از نظر هورامی‌های ساکن دره مکانی هستند واجد هویت. مکان‌هایی در حد فضای یک درخت یا به وسعت یک کوه، نام آن‌ها در مواردی با اتفاقی تاریخی در آن مکان مرتبط است و گاه به منظره آن مکان در فصل خاصی اشاره دارد.

مظاهر منظر فرهنگی آیینی هورامان

۶-۱- هویت چشم‌اندازها

هورامیان، هورامان را با چشم‌اندازهایش توصیف می‌کنند. این دره‌ی باریک با کوه‌های سر به فلک کشیده^۲ و باریکه‌ی آب انتهای دره چشم‌اندازهای طبیعی بدیعی را پدید آورده است (مردوخ کردستانی، ۱۳۵۲: ۱۲۵-۱۲۰).

هورامیان در هرجایی سکونت نکرده‌اند، آبادی نیروهایی می‌طلبند که هورامیان در طول زمان به تجربه آموخته‌اند که این نیروها چه باید باشد و در کجاها می‌توان آبادی گزید. پس ابتدا باید بدانیم هورامیان آبادی‌هایشان را کجا برپا کرده‌اند. در دامنه‌های آفتاب‌گیر کوه‌ها آن‌جایی که به چشمه نزدیک است؟ در جلگه‌های کم شیب تر دره جایی نزدیک به سیروان؟ در بلندی‌های امن؟ در مسیر راه‌ها؟ یا جایی

^۱. صیدی شاعر هورامی (۱۲۶۵-۱۹۹۰ ه.ق) اشعار بسیاری در وصف طبیعت هورامان سروده است:

کوسالان وهشن، کوسالان وهشن / مثرزام سه‌ثری ههرد کوسالان وهشن

ته‌ماشای جهرگهی «گولان» وهشن / سه‌ثری سه‌برزان «عه‌ودالان» وهشن.

^۲. مردوخ کردستانی در خصوص کوه‌های منطقه هورامان از شاهو، کوسالان، پیر روسم [پیر رستم]، کوه میانه و گاران یاد می‌کند.

که به سبب اتفاقی تاریخی یا شخصی خاص مکتب یافته است؟ در هورامان آبادی‌ها در نزدیکی خط‌القعر دره یا کمرکش کوه واقع شده‌اند.^۱ در این مکان‌ها نیروهایی برای امکان سکونت، آبادی گزیدن و در امان بودن وجود دارد. این آبادی‌ها در بدنه‌های شمالی دره، رو به آفتاب و در کنار چشمه‌ها برپا شده‌اند (دیوان‌بیگی، ۱۳۸۲: ۱۱۹).

۶-۲- پیر شالیار

در لغت‌نامه دهخدا در مورد پیر شهریار آمده است:

"پیر شهریار: [ش] (خ) پیر شالیار. در اورامان پیر زرتشتی از مغان زرتشتی بوده است، موسوم به پیر شهریار" (که به زبان کردی او را پیر شالیار خوانند) از او کتابی باقی است به نام مآرفتو پیر شالیار (معرفت پیر شهریار) و نزد مردم هورامان بسیار محترم است و به دست خارجی نمی‌سپارند و کلماتش را در موارد بسیار به جای مثل به کار می‌بندند.

از طرفی محمد مردوخ کردستانی در تاریخ مردوخ درباره پیر شالیار می‌نویسد: برخی او را مسلمان و مصطفی نامیده و برخی او را از مغان زرتشتی و فرزند جاماسپ خوانده‌اند (مردوخ کردستانی، ۱۳۵۲، ۱۲۰-۱۲۵). به پیر شالیار در روایات مذاهب متفاوتی نسبت داده شده است. بحث درباره این روایات و زمان حیات ایشان موضوع این پژوهش نیست؛ اما آنچه اهمیت دارد این است که پیر شالیار پیر مغ باشد یا پیر طریقت در هورامان اسطوره‌ای است صاحب کرامات. اسطوره‌ای که در ذهن همه هورامیان مرتبه‌ای خاص دارد. کردها از دیر زمان اعتقاد به قول و فعل مشایخ دارند و برای مشایخ طریقت کرامات و احترامات زیاد قائل‌اند و غالباً بدون مشورت و صلاح‌دید آن‌ها دست به کاری نمی‌زنند (رشید یاسمی، ۱۳۶۳: ۱۲۳). بنا بر آنچه که آمد در می‌یابیم هورامان تخت به سبب تخت‌گاه بودنش و به واسطه مقام روحانی پیر شالیار نزد هورامیان جایگاه ویژه‌ای دارد. جایگاهی که سبب شده هورامیان آن را شهر بدانند.

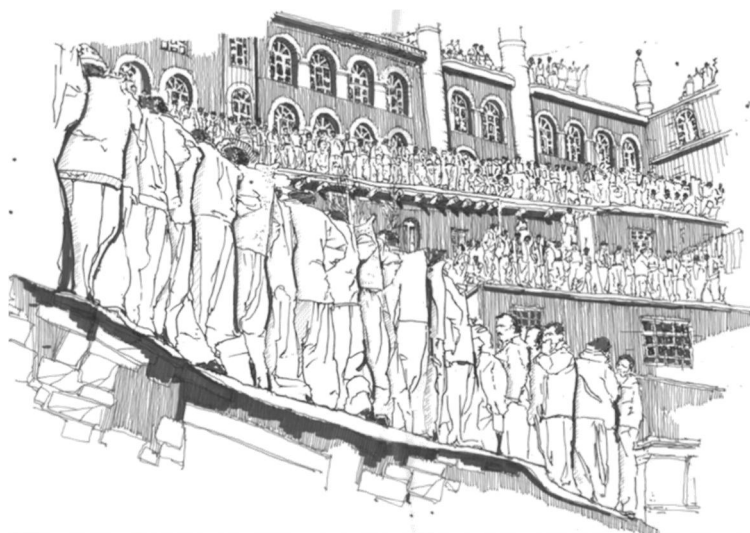
۶-۳- عروسی پیر شالیار

یکی از اصیل‌ترین نمادهای هورامیان در نمایش باورهای آیینی‌شان مراسم عروسی «پیر شالیار» است. جشن عروسی پیر شالیار که مراسمی بسیار کهن است، اگرچه در طول زمان با تغییرات بسیاری مواجه شده، ولی ریشه‌های کهن و اساطیری خود را به خوبی حفظ کرده است. در تاریخ مردوخ به مراسم پیر شالیار اشاره شده است. پیر شالیار در سال‌های سکونت در هورامان تخت مکاشفات زیادی از خود نشان می‌دهد و بیماران زیادی را شفا می‌دهد. شهرت پیر در شفا دادن بیماران تا بخارا می‌رود و حاکم بخارا

^۱ حسین دیوان‌بیگی در خاطرات دیوان‌بیگی می‌نویسد: «مسلماناً در دنیا چنین جایی به این سختی نیست؛ تمام دهاتش در دره یا کمر کوه و یا عمق کوه‌های مرتفع است. در این دو بلوک به قدر هزار ذرع بلکه پانصد ذرع زمین تخت وجود ندارد»

دستور می‌دهد که دخترش را که اطبا از درمانش عاجز مانده‌اند نزد پیر شالیار ببرند. پیر شالیار شاهزاده را شفا می‌دهد و سپس به دستور حاکم با وی ازدواج می‌کند. مردم هورامان تخت با هم برای پیر خانه‌ای می‌سازند و شام عروسی را مهیا می‌کنند. همه‌ساله ۴۵ روز بعد از شروع فصل زمستان و هم‌زمان با جشن «سده» به سنت قدیمی، دو هفته مراسم آیینی «پیر شالیار» به مناسبت ازدواج افسانه‌ای پیر با دختر پادشاه بخارا برگزار می‌شود (پورکریم، ۱۳۴۵: ۳۴).

دیگر آیین عروسی پیر شالیار «تربه» است؛ یک هفته بعد از «شه و ونیشتی» یعنی در سومین جمعه بهمن‌ماه، مردان در صف‌هایی طولانی به زیارت پیرهای هورامان تخت و اطرافش می‌روند. در این روز هر طایفه‌ای به زیارت یک پیر می‌رود؛ و نان‌هایی را که روز قبل توسط زنان طایفه تهیه شده، بر سر مزار پیرها می‌برند و پس از جمع شدن بر سر مزار پیر، نان‌ها را بین حاضران تقسیم کرده و با ماست می‌خورند (صفی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۱).



تصویر ۲: مراسم عروسی پیر شالیار

۶-۴- خانه پیرشالیار^۱

در متون تاریخی هورامیان به پیرشالیار و خانه افسانه‌ای او به دفعات اشاره شده است. ماجرای ملاقات پیرشالیار و کوسه حجیج^۲ در متون «پارسان»^۳ که در آن پیرشالیار را به عنوان یکی از یاران سلطان اسحاق معرفی می‌کنند؛ از این قبیل است. در این متون داستانی در ارتباط با پیرشالیار روایت می‌شود که مانند دیگر داستان‌های «سرانجام» سراسر معجزات و مکاشفات یاران اهل حق است. (صفی‌زاده، ۱۳۸۷).

^۱. یانه و پیشه‌لیاری /yāna-w pī[r]šalyārī/ خانه پیر شالیار.

^۲. نامش «عبداللله» است، فرزند امام موسی کاظم علیه‌السلام و برادر امام هشتم. نام روستای حجیج در هورامان از این امامزاده گرفته شده است.

^۳. پارسان یا اهل حق مسلکی است عرفانی که در سده هفتم هجری توسط سلطان اسحاق بنیان گذاری شد. هورامان کردستان محل تولد آیین حق است.

۶-۵- مقبره پیر شالیار

مقبره پیر بنایی است سنگی و ساده با گنبدی کوچک، آرام‌گرفته بر روی تپه‌ای مقابل هورامان تخت. عظمت این بنای ساده از سنگ به قامت اعتقادی است که هورامیان به پیر شالیار دارند. در واقع اینکه مقبره در خارج از شهر هورامان ساخته شده نشان از کثرت احترام به صاحب آن دارد؛ این جدایی، مفهومی به جز جدایی و قداست آن از امور دنیوی و روزمره زندگی نمی‌تواند داشته باشد. اطراف مقبره تنها مزار امواتی است که به سبب احترامی که هورامیان برای اموات قائل‌اند، آن‌ها را در جوار پیر به خاک سپرده‌اند. محوطه مقبره دیوار یا حفاظی ندارد؛ و این بنا بر بستری طبیعی واقع است؛ اما آنچه در زیارت از این زیارتگاه ساده اهمیت دارد آداب ورود به آن است.



تصویر ۳: دیوار و درب ورودی مقبره پیرشالیار

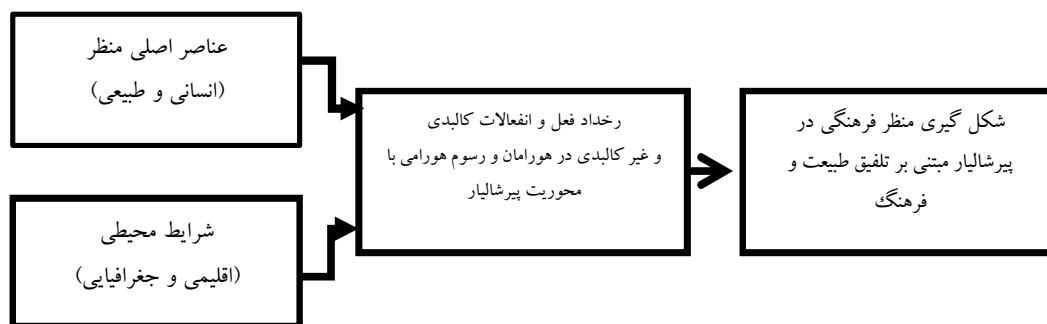
۶-۶- مناسک زیارت هورامان تخت

زیارت صرف‌نظر از عمل حقیقی و خالصش در دین، به سبب ویژگی‌هایش در هرکجا که اتفاق بیفتد ظهوری خاص می‌یابد؛ ظهوری ناخالص با حواشی و رویدادهایی ملازم. در حقیقت در مطالعه زیارت در هورامان با طیفی مواجهیم؛ طیفی از اعتقاد محض تا ظهور ناخالص بیرونی و عامیانه‌اش. آنچه به معماری و شهر هورامان تخت مربوط می‌شود هردوست؛ اما دومی ارتباطش آشکارتر و ظاهری‌تر است. یکی از جهت آیین و آداب و مناسک^۱ است. آداب و آیین ظاهری زیارت چون طی مسیر، رؤیت و ... به کالبدی مناسب برای روی دادن نیاز دارد: کالبدی که بتواند همه‌ی آیین و آداب ظاهری زیارت با همه‌ی ویژگی‌هایش را در خود جای دهد و برگزاری آن را امکان‌پذیر کند. اگر میهمانی به زیارت هورامان تخت می‌آید، این شهر باید لباسی باشد به قامت آداب ظاهری زیارت. پس باید در شهر امکانی برای میهمان فراهم شود که آیین زیارت را به جا آورد (حنیفی، ۱۳۹۰).

^۱ مقصودمان از آداب و مناسک زیارت؛ آداب برگزاری زیارت مطابق متون دینی و مذهبی هورامیان نیست؛ بلکه آداب و مناسکی مد نظر است که در میان مردم به وقوع می‌پیوندد و متداول است.

۶-۷- مظاهر طبیعی و فرهنگی در منظر فرهنگی - آیینی هورامان

در نمودار زیر فرایند شکل‌گیری منظر فرهنگی در هورامان با محوریت پیرشالیار نشان داده شده است (نمودار ۱).



نمودار ۱: فرآیند شکل‌گیری منظر فرهنگی هورامان؛ منبع: نگارنده

یافته‌های پژوهش

۷-۱- جامعه و نمونه‌ی موردی تحقیق و روش نمونه‌گیری.

جامعه‌ی کل: گردشگران و بازدیدکنندگان از هورامان در تمام طول سال.

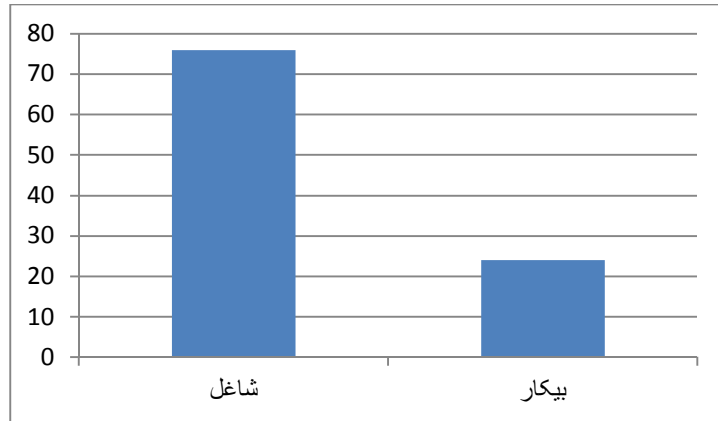
جامعه‌ی موردی: گردشگران و بازدیدکنندگان هورامان در مدت مراسم مربوط به پیرشالیار که با رویکرد فرهنگی و دیدار از منظر فرهنگی هورامان، در محدوده‌ی زمانی پژوهش به این مکان سفر کرده‌اند. بر طبق آمارها، تخمین‌ها و مشاهدات صورت گرفته هر سال دو بار در نیمه بهار و نیمه زمستان، مراسم عروسی «پیر شالیار» به مدت سه روز جشن گرفته می‌شود و بیش از سه هزار گردشگر، در هورامان حضور داشته که از این تعداد، نمونه (برای پیمایش توصیفی پژوهش): تعداد ۳۴۰ نفر از گردشگران، در طی محدوده‌ی زمانی شش روزه‌ی تحقیق (سه روز نیمه بهار و سه روز نیمه زمستان) به صورت تصادفی ساده انتخاب شده و پرسشنامه‌ای که محقق ساخته، این پژوهش را تکمیل نموده است. با توجه به وسعت انسانی کار، و با توضیحات ارائه شده از سوی پژوهشگران، پرسشنامه‌ی پژوهش را تکمیل نموده‌اند. در این تحقیق روش نمونه‌گیری با مشاوره‌ی مشاوران تحقیق، به صورت تصادفی ساده بوده است. روش تصادفی ساده، در تحقیق آزمودنی‌ها را به طور اتفاقی از بین جامعه‌ی مورد پژوهش، که از نظر پژوهشگران، دارای ویژگی‌ها و انگیزه‌های مشترکی باشند، انتخاب شده و فرض بر این است که داده‌های به دست آمده از نمونه، برای جامعه‌ی پژوهش، قابلیت تعمیم دارد (حافظنیا، ۱۳۸۲).

۷-۲- داده‌های به دست آمده از پرسشنامه‌ها

۷-۲-۱- سؤالات مشخصاتی

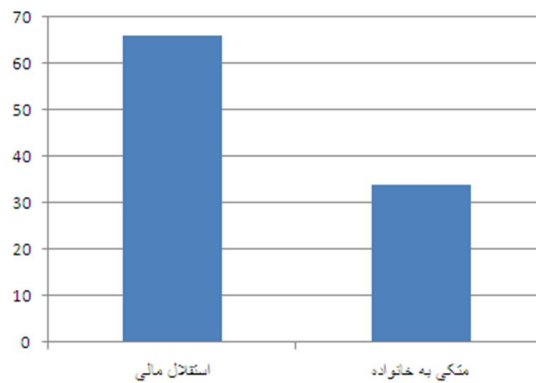
سن و جنس: ۱۱ درصد، ۱-۱۸ سال؛ ۳۴ درصد، ۱۹-۳۵ سال؛ ۲۷ درصد، ۳۶-۵۹ سال؛ ۲۸ درصد، ۶۰ سال و بیشتر؛ ۵۰ درصد مرد و ۵۰ درصد زن.

وضعیت اشتغال گردشگران: ۲۴ درصد بیکار؛ ۷۶ درصد شاغل.



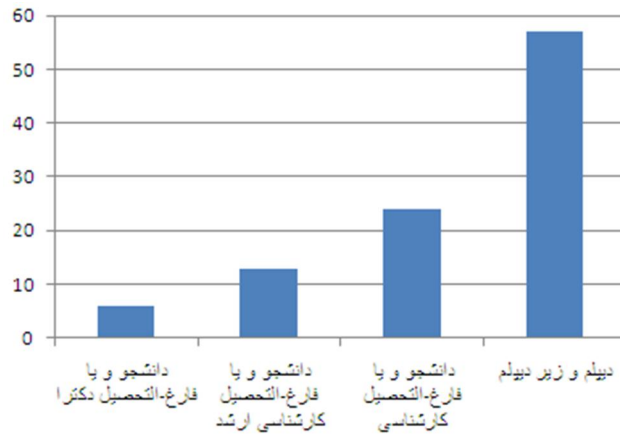
نمودار ۱: وضعیت اشتغال گردشگران منبع: نگارنده

میزان درآمد گردشگران: ۳۴ درصد متکی به خانواده؛ ۶۶ درصد مستقل.



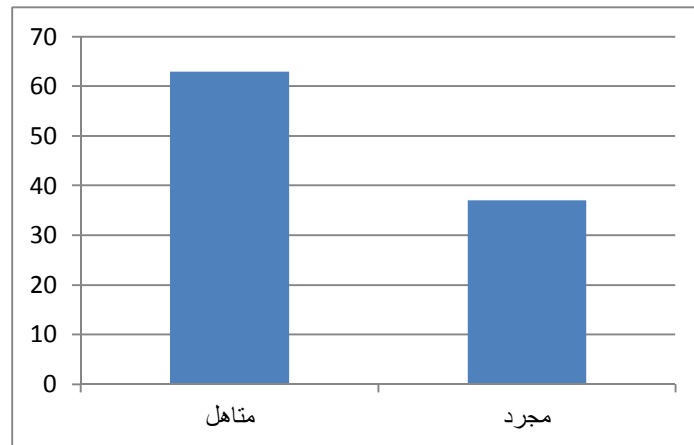
نمودار ۲: میزان درآمد گردشگران منبع: نگارنده

سطح تحصیلات گردشگران: ۵۷ درصد دیپلم و زیر دیپلم؛ ۲۴ درصد دانشجوی و یا فارغ‌التحصیل کارشناسی؛ ۱۳ درصد دانشجوی و یا فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد؛ ۶ درصد دانشجوی و یا فارغ‌التحصیل دکترای حرفه‌ای و تخصصی.



نمودار ۳: سطح تحصیلات گردشگران؛ منبع: نگارنده

وضعیت تأهل گردشگران: ۳۷ درصد مجرد و ۶۳ درصد متأهل.

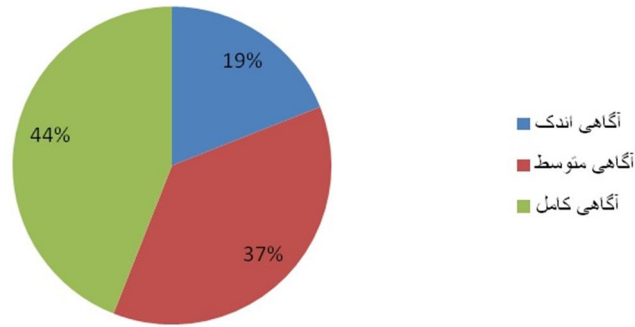


نمودار ۴: وضعیت تأهل گردشگران؛ منبع: نگارنده

مسافت مکانی تا هورامان و وسیله‌ی سفر: ۲۴ درصد، کمتر از ۱۵۰ کیلومتر؛ ۲۱ درصد، ۱۵۰-۳۰۰ کیلومتر؛ ۱۹ درصد، ۳۰۰-۵۰۰ کیلومتر؛ ۱۹ درصد، ۵۰۰-۸۰۰ کیلومتر؛ ۱۳ درصد، ۸۰۰-۱۰۰۰ کیلومتر؛ ۴ درصد، بالاتر از ۱۰۰۰ کیلومتر؛ ۸۹ درصد وسیله‌ی نقلیه‌ی شخصی (غالباً همراه با خانواده) و ۱۱ درصد وسیله‌ی نقلیه‌ی عمومی.

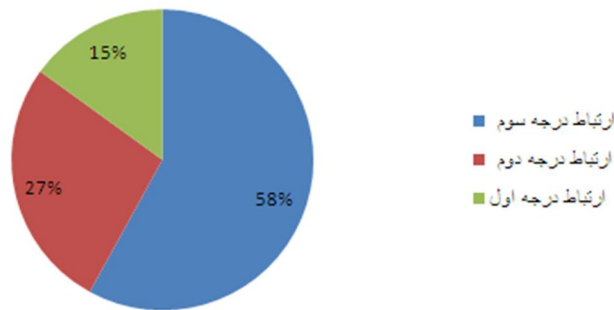
۷-۲-۲- سوالات انگیزش سنجی

میزان آشنایی گردشگران با گردشگری فرهنگی- آیینی: ۴۴ درصد، نسبت به این مفهوم، آگاهی دارند؛ ۳۷ درصد، نسبت به موضوع آگاهی متوسط دارند؛ ۱۹ درصد، نسبت به مسئله اطلاعات بسیار اندکی داشته و یا هیچ‌گونه آگاهی خاصی ندارند.



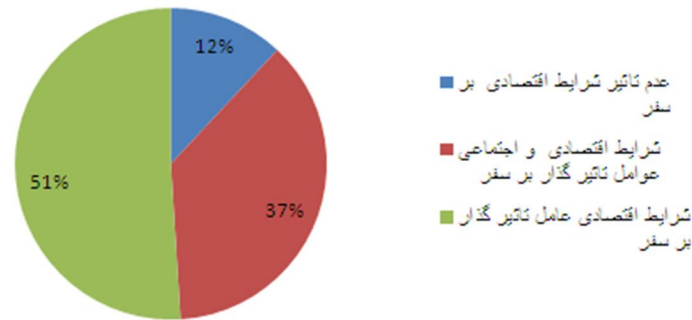
نمودار ۵: میزان آشنایی گردشگران با گردشگری فرهنگی - آیینی؛ منبع: نگارنده

ارتباط شخصی پاسخ‌دهنده با گردشگری (با تأکید بر مفهوم منظر فرهنگی): ۱۵ درصد، نسبت به موضوع ارتباط درجه اول دارند: خود را گردشگر دائمی می‌دانند؛ ۲۷ درصد، نسبت به موضوع ارتباط درجه دوم دارند: در شرایط عادی گردشگری را به عنوان یکی از اولویت‌های خود به شمار می‌آورند؛ ۵۸ درصد، نسبت به موضوع ارتباط درجه سوم دارند: گردشگر دائمی نیستند؛ ولی در صورت داشتن وقت و مساعد بودن شرایط، سفر می‌کنند.



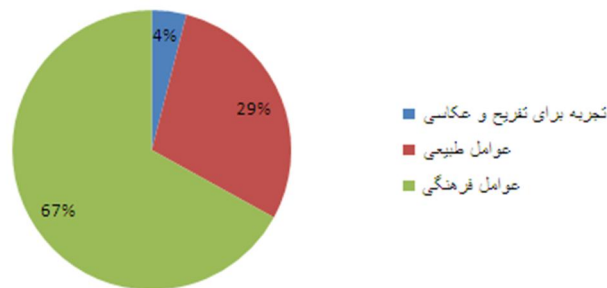
نمودار ۶: ارتباط شخصی پاسخ‌دهنده با گردشگریبا تأکید بر مفهوم منظر فرهنگی منبع: نگارنده

دیدگاه پاسخ‌دهنده درباره‌ی تأثیر شرایط اقتصادی خانواده بر مواجهه با گردشگری فرهنگی - آیینی: ۵۱ درصد، شرایط اقتصادی خانواده را در اولویت عوامل تأثیرگذار بر موضوع می‌دانند؛ ۳۷ درصد، شرایط اقتصادی خانواده را در کنار شرایط اجتماعی، اولویت‌بندی می‌کنند؛ ۱۲ درصد، شرایط اقتصادی خانواده را در اولویت مسئله نمی‌دانند.



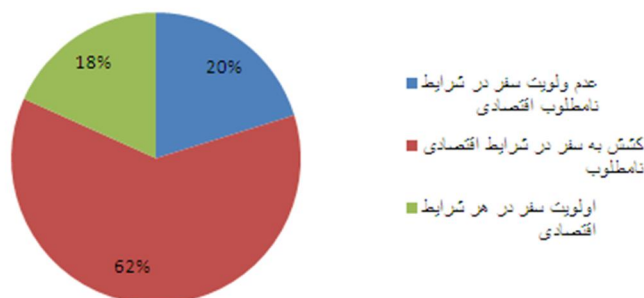
نمودار ۷: تأثیر شرایط اقتصادی خانواده بر مواجهه با گردشگری فرهنگی - آیینی؛ منبع: نگارنده

مهم‌ترین انگیزه‌های گردشگری (دیدار از منظر فرهنگی آیینی هورامان) از نظر پاسخ‌دهنده: ۶۷ درصد، عوامل فرهنگی و بازدید از مراسم سنتی هورامان را به تنهایی در اولویت سفر دانسته‌اند؛ ۲۹ درصد عوامل طبیعی را در کنار کشش‌های سیاحتی را در اولویت داشتند و ۴ درصد، به عنوان یک تجربه برای تفریح و عکاسی به این سفر آمده بودند.



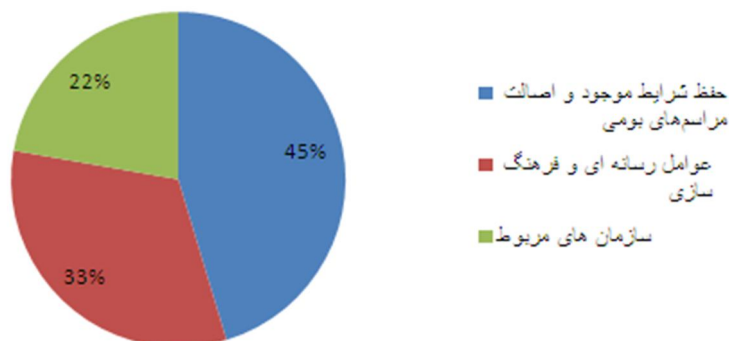
نمودار ۸: مهم‌ترین انگیزه‌های گردشگری در هورامان؛ منبع: نگارنده

دیدگاه پاسخ‌دهنده درباره‌ی تأثیر شرایط اقتصادی عمومی بر سفر و گردشگری فرهنگی آیینی به هورامان: ۱۸ درصد، موضوع را در اولویت دانسته و عنوان کرده‌اند؛ ۶۲ درصد، عنوان کرده‌اند که به دلیل عوامل فرهنگی، حتی در شرایط نامطلوب، نسبت به مسئله کشش دارند؛ ۲۰ درصد، سفر و گردشگری فرهنگی را در شرایط نامناسب اقتصادی در اولویت خود قرار نمی‌دهند.



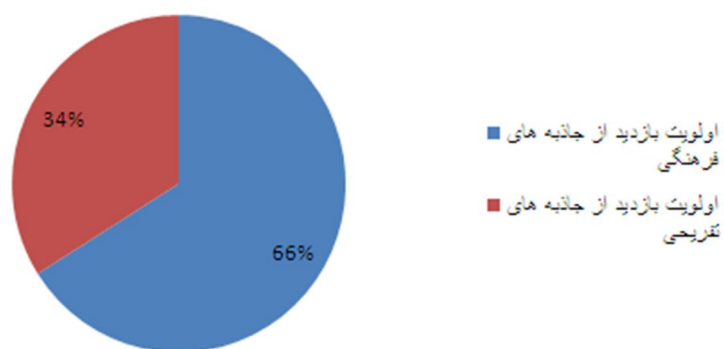
نمودار ۹: تأثیر شرایط اقتصادی عمومی بر سفر و گردشگری؛ منبع: نگارنده

راهکارهای شخص پاسخ‌دهنده در توسعه کمی و کیفی گردشگری فرهنگی آیینی هورامان : ۲۲ درصد، مدیریت سازمان‌های مربوط به حفظ و اشاعه‌ی آداب و رسوم منطقه را در ارتقاء کیفی و کمی موضوع، اولویت‌بندی کرده‌اند؛ ۳۳ درصد، عوامل رسانه‌ای و فرهنگ‌سازی را در اولویت دانسته‌اند؛ ۴۵ درصد، حفظ شرایط موجود و اصالت مراسم‌های بومی منطقه را عامل ارتقاء موضوع می‌دانند.



نمودار ۱۰: راهکارهای شخص پاسخ‌دهنده در توسعه کمی و کیفی گردشگری؛ منبع: نگارنده

دیدگاه پاسخ‌دهنده درباره‌ی این پرسش که به نظر او در شرایط مساوی، از میان دو مقصد گردشگری که یکی از آن‌ها دارای جاذبه‌های تفریحی و دیگری دارای جاذبه‌های فرهنگی است، کدام یک را انتخاب می‌کند: ۳۴ درصد، گزینه‌ی اول و ۶۶ درصد گزینه‌ی دوم را انتخاب نموده‌اند.



نمودار ۱۱: اولویت گردشگران نسبت به جاذبه‌های فرهنگی / تفریحی منبع: نگارنده

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هرساله، جمعیت قابل توجهی، به مقاصد گردشگری فرهنگی و آیینی کشور سفر می‌کنند که این امر به لحاظ مخاطب شناسی اقتصادی گردشگری، بسیار قابل تأمل است. گردشگری فرهنگی - آیینی، از مهم‌ترین گونه‌های گردشگری است که به‌خصوص در کشور ما، به دلیل وجود پیشینه‌ی فرهنگی و کشش‌های ملی و فولکلوریک زیاد از سوی مخاطبان این نوع گردشگری، پتانسیل خوبی در توسعه‌ی اقتصادی آن وجود دارد.

شناخت انگیزش‌ها و خصوصیت‌های این نوع از گردشگران و به ویژه نیازسنجی آنان نسبت به ابعاد فرهنگی موضوع، سرآغاز مطالعات علمی گردشگری فرهنگی - آیینی را تشکیل می‌دهد.

نتایج حاصل از پژوهش انجام‌گرفته شده نشان می‌دهند که ارتباط و تعامل بین کنش‌های انسان، آئین و طبیعت در هورامان مبتنی بر معیارهای مشخصی است که فرهنگ، در طول تاریخ نقش بسزایی در شکل‌گیری، تقویت و تثبیت آن‌ها تاکنون داشته است. مجموعه این ارتباطات در اشکال و ابعاد مختلف که نشانگر شکل زندگی، نحوه تعامل، الگوی ارتباط با محیط پیرامون و نحوه برگزاری مناسک مذهبی و جشن‌ها، نوعی رفتار برمبنای الگوهای فرهنگی خاص است که نشان‌دهنده منظر فرهنگی هورامان با محوریت پیرشالیار، را ساخته است.

با توجه به توصیفات ارائه‌شده در خصوص عوامل شکل‌دهنده به منظر فرهنگی هورامان، می‌توان مهم‌ترین شاخص‌های منظر فرهنگی این کانون را در سه دسته طبیعی (کالبدی) و رفتاری (مصنوع) و آیینی (نمادین) برشمرد. دلایل بروز هر یک (ویژگی‌های بنیادین منظر فرهنگی) متناسب با اقلیم، تاریخ، آیین‌های مذهبی و کنش‌های رفتاری بوده است، ناگفته پیداست که این اشتراکات را می‌توان تحت عنوان منظر فرهنگی خاص این منطقه دانست، عناصر شاخص سازنده‌ی این منظر عبارتند از:

هم‌نشینی با طبیعت، خانه پیرشالیار، زیارتگاه پیرشالیار، مراسم عروسی و مناسک زیارت این نکته قابل‌توجه است که منظر فرهنگی - آیینی این منطقه از هم‌نشینی عوامل کالبدی (طبیعی) و رفتاری شکل‌گرفته است.

نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها نیز بیانگر این نکته بود که گردشگران با سنین مختلف و همچنین سطح سواد و توانایی اقتصادی، همواره بر گردشگری با محوریت فرهنگی و آیینی تأکید داشته و حتی بیش از اکوتوریسم به آن بها می‌دهند.

منابع و مأخذ:

۱. اسپیرن، آ (۱۳۸۴)، زبان منظر، ترجمه سید حسین بحرینی و بهناز امین زاده، دانشگاه تهران، تهران.
۲. ابراهیمی دهکردی، ا (۱۳۹۲)، نقش عوامل فرهنگی، مذهبی و اکوتوریستی در توسعه گردشگری ابرکوه، فصلنامه جغرافیایی فضای گردشگری، سال سوم، شماره ۹.
۳. حافظ‌نیا، م (۱۳۸۲)؛ مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سمت.
۴. حنیفی، پ (۱۳۹۰)، زبان الگوی سکونت در هورامان؛ میهمان خانه‌ای در هورامان تخت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.
۵. پورکریم، ه (۱۳۴۵)، دهکده هجیج، هنر و مردم، ش ۴۷: ص ۳۴-۴۶.
۶. جوادی، ش (۱۳۸۶)، اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت (آب، درخت و کوه)، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، شماره هشتم، ۲۲-۱۲، تهران.
۷. رشید یاسمی، غ (۱۳۶۳)، کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۸. صفی‌زاده (بوره که ئی) ص (۱۳۸۷)، اهل حق، نشر حروفیه، تهران.
۹. کلارک، ک (۱۳۷۰)، سیر منظره پردازی در اروپا، ترجمه: بهنام خاوران، نشر ترمه، تهران.
۱۰. مخلص، ف و همکاران (۱۳۹۲)، مزار پیرمراد، منظر فرهنگی آیینی شهرستان بانه، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، شماره ۲۷، ۲۷-۳۸.
۱۱. مردوخ کردستانی، م (۱۳۵۲)، تاریخ مردوخ (تاریخ کرد و کردستان)، نشر غریقی، سنندج.
۱۲. یو، ه (۱۳۸۲)، الگوی بوم شناختی در معماری، ترجمه لیلا حکیمی زاده و ناهید، فصلنامه ما، ۳۷، ۱۴-۲۹.

13. Eckbo, G. 1969, *The Landscape We See*, McGRAW-HILL BOOK COMPANY, New York.
14. Hunziker, M. 2000, *Einstellungen der Bevölkerung zu möglichen Landschaftsentwicklungen in den Alpen*, Eidgenössische Forschungsanstalt WSL, Birmensdorf, Switzerland.
15. Longstreth, Richard (2008) *Cultural Landscape, Balancing Nature and Heritage in preservation Practice*, Minneapolis: University of Minnesota press.
16. Makhzoumi, J. & Pungetti, G. 1999. *Ecological Landscape Design and Planning: Mediterranean Context*. E & FN Spon.
17. SAUER, C (1925) *The Morphology of Landscape*. University of California Publications in Geography. Number 22. Pages 19-53.
18. Spiri, Anne Whiston. 1998. *The Language of Landscape*. 125-130. In Swaffield.
19. Swaffield, Simon. 2005. *Landscape as a Way of Knowing the World*. In Harvey, Sheila et al 2005.
20. Zonneveld, Isaac S. 1995. *Land Ecology: An Introduction to Landscape Ecology*. SPB Academic Publishing.